



از این دنیای مغموم و فانی

از این دنیای مغموم و فانی
فریاد کنم به سوی سما
روحم افسرده در زیر گناه
خداوندا، بر من رحم نما

بند ۱ بند ۲ بند ۳ بند ۴ بند ۵ بند ۶

این قلب نالان در پی شادی است

تنهای تنها و بینوا

قلبم شکسته، پر درد و خسته

خداوندا، بر من رحم نما

بند
۱

بند
گردان

بند
۲

بند
گردان

بند
۳

بند
گردان

بند
۴

بند
گردان

این روح عاصی، آواره گشته
در پی لذات، دور از خدا
در بیابان این عمر باطل
خداوندا، بر من رحم نما

بند ۱ بند ۲ بند ۳ بند ۴ بند ۵ بند ۶ بند ۷

این قلب نالان در پی شادی است

تنهای تنها و بینوا

قلبم شکسته، پر درد و خسته

خداوندا، بر من رحم نما

دنیای مکار مرا فریب داد
هستی‌ام رفت بر باد فنا
رانده ز هر جا، خسته ز دنیا
خداوندا، بر من رحم نما

بند ۱ بند ۲ بند ۳ بند ۴ بند ۵ بند ۶ بند ۷

این قلب نالان در پی شادی است

تنهای تنها و بینوا

قلبم شکسته، پر درد و خسته

خداوندا، بر من رحم نما

بند
۱

بند
گردان

بند
۲

بند
گردان

بند
۳

بند
گردان

بند
۴

بند
گردان

توبه می کنم از گناهانم،
با اشکهای تلخ، کنم دعا
هر چند نالایق، سویت می آیم
خداوندا، بر من رحم نما

بند ۱ بند ۲ بند ۳ بند ۴ بند ۵ بند ۶

این قلب نالان در پی شادی است

تنهای تنها و بینوا

قلبم شکسته، پر درد و خسته

خداوندا، بر من رحم نما